

# مصحف المیزان

با  
ترجمه و تفسیر

بامر پادشاه شریعت پرور افغانستان اعلیحضرت  
المتوکل علی اللہ محمد ظاہر شاہ

تحت نظر بینتی از علمای جنید این کشور از ترجمه و تفسیر حضرت شیخ الہند  
(محمود حسن) دیوبندی و فوائد موضع الفرقان نگارش شیخ الہند مولینا  
بشیر احمد دیوبندی از اردو بہ دری ترجمہ و در سال ۱۳۲۳ طبع شدہ  
اما نسخہ ہای طبع اول تفسیر مبارک نایاب گردیدین نیاز مندی و تقاضا برا  
این کتاب مقدس بہ پیمانہ بود کہ بالآخرہ چاپ مجدد آن در دو فرخندہ ذات شہر  
و باساس پروگرامہای عرفانی بنا علی محمد ہاشم میوند وال صدر اعظم روی دست  
گرفته شد ، و طبع پارہ اول از طرف ریاست مطابع دولتی و ہمکاری اعضا  
دانشمنہ دیریت عمومی تبلیغات وزارت اطلاعات و کلتور تکمیل گردید .  
و اینک « کتاب چاپ پولو مؤسسہ » خود را مسعود میداند کہ این تفسیر شریف را  
بہ ہموطنان عزیز اہد اکنند .

# جزء اول منزل اول

سورة الفاتحة مكية وهي سبع آيات ، نزلت بعد المدثر  
سورة فاتحه هفت آیه و مکی است  
بعد از سورة مدثر نازل شده .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝

آغاز میکنم بنام خدائیکه بی اندازه مهربان ، نهایت بارحم است .  
تفسیر : رحمن و رحیم هر دو صیغه مبالغه است اما در « رحمن » نسبت  
به «رحیم» مبالغه بیشتر است. در این ترجمه تمام این دقایق رعایت شده .

الْحَمْدُ لِلّٰهِ

همه ستایش ها مر خدایر است .

تفسیر : نیکوترین ستایشها و بهترین محامدی که از ازل تا ابد شده -  
و خواهد شد خاص بحضرت الهی سزاوار است، زیرا آفریننده اشیا و انعامات  
و بخشنده عطایا حضرت اوست و عطای او عام است که بلا واسطه بخشد یا  
بواسطه دیگری بخشایش کند مثلا کسی از فروغ خورشید متمتع میشود ؛  
یا از حرارت او برخوردار میگردد ، این انتفاع و برخورداری از فیض خورشید  
است نه از روشنی گوگرمی .

حمد را با تو نسبتیست درست

بردر هر که رفت بردر تست

ترجمه «الحمد» تنها به این جمله که (هر نوع ستایش خدایر است) موجز  
و نارساست علماء به تقصیر آن معترفند .

## رَبِّ الْعَالَمِينَ ٧

آن خدائیکه پروردگار عالمیان است

تفسیر: مجموعه آفریدگانرا عالم گویند ازین جهت است که عالم به صیغه جمع ذکر نمیشود.  
اما جمعیت آن در اینجا برای توضیح از هر جنس عالم است چون: عالم جن عالم فرشته عالم انس و غیره تانیک روشن گردد که همه افراد عالم آفریده حضرت الهی (ج) است.

## الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٧ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٣

بی اندازه مهربان ، نهایت بارحم خداوند روز جزاست

تفسیر: تخصیص روز جزا بدان جهت است که در آن روز حوادثی مدعش وعظیم رودهد و چنان باشد که بدان هیبت وعظمت نه روزی گذشته باشد ونه باز بیاید ، روزی که جزوات اقدس کبریائی دیگری راهیچ گونه سلطنت واقتراری نباشد . «لَمَنْ الْمَلِكِ الْيَوْمَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» .

## إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٤

خاص ترا میپرستیم و خاص از تو یاری میخواهیم

تفسیر: ازین آیه کریمه برمی آید که استمداد جزا حضرت احدیت از دیگری جایز نیست اما کسی که یکی از بندگان مقرب الهی (ج) را غیر مستقل داند، محض واسطه رحمت الهی پندارد ، خاص بصورت ظاهری (غیر حقیقی) از وی استعانت کند باکی نیست . زیرا اینگونه استمداد نیز در حقیقت همان استعانتیست که از بارگاه احدیت میشود .

## إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٥

بنما ما را راه راست

## صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ٧

راه کسانی که انعام کرده برایشان

تفسیر : کسانی که به نعمت پروردگار نایل شده اند چهار طبقه می باشند : پیغمبران - صدیقین - شهداء - صالحین . این اقسام در قرآن دیگر جا تصریح شده مراد از مغضوب علیهم یهود ، و مطلب از ضالین نصاری است که آیات و روایات متعدد بتائید این مطلب شاهد است . بازماندگان صراط مستقیم دو نوع اند : آنانی که بجهالت و نادانی از راه باز مانده اند و آنانی که عالماً و عامداً تمرد ورزیده اند - گمراهان امم ماضی و آینده ازین دو نوع خارج نیستند ، ملل نصاری در نوع اول و یهود در نوع دوم مشمولست .

## غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ٧

نه آنانی که غضب کرده شده برایشان و نه گمراهان

تفسیر : خداوند این سوره عظیم را بزبان بندگان خود فرمود تا بندگان ما چون بارگاه ما تشریف و حضور حاصل کنند از حضرت مابدين سوال نیاز کنند. ازین است که این سوره را تعلیم مسئله نیز نامند و بدین مناسبت در خاتمه فاتحه گفتن آمین سنت قرار داده شده کلمه آمین از قرآن مجید خارج و معنای آن چنین است (الهی اجابت کن دعای ما) یعنی ما را به بندگانی که مقبول بارگاه تواند پیرو ساز و از کسانی که فرمان تو نمیبرند دور گردان - پس نیمه اول سوره فاتحه خداوند را ثنا و ستایش و نیمه دوم بندگان او را نیاز و دعاست فایده: غیر المغضوب بدل «الذین» میباشد یا صفت او که این ترجمه مناسب آن است اما در بعضی تراجم دهلویه این آیت را نوعی ترجمه کرده اند که با ترکیب نحوی مخالف و با مقصود منافست .

(سورة البقرة مدنية الآية (٢٨١) فنزلت بمنى في حجة الوداع وهي مانتان وست  
 وثمانون آية واربعون ركوعا : نزلت بعد «المطففين» عدد تلاوتها (٢)  
 عدد نزولها (٨٧)  
 (سورة بقره در مدینه فرود آمده بدون از آیه (٢٨١) که در سال حجة الوداع  
 در منی نازل شده و وصلو هشتاد و شش آیت و چهل رکوع است در تلاوت (٢)  
 و در نزول (٨٧) سورة میباشد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 آغاز سوره بسم نام خدايک  
 بی اندازه کبریا  
 نابت با رحم است

## الْتَمَّ

تفسیر : این حروف را مقطعات گویند - معنای اصلی آنرا دیگران پیبرده  
 نمی توانند بلکه رازی است در میان خدا و پیغامبر وی (ص) که بنا بر  
 حکمت و مصلحتی آشکارش نکردند . آنچه از بعضی علماء در معنی آن  
 منقول است خاص به قصد تمثیل و تنبیه و تسهیل می باشد - نه اینکه  
 اراده الهی (ج) چنین بوده است . کسانی که این تعبیرات را رأی شخصی  
 میپندارند و به تردید آن می پردازند اندیشه خود آنها اندیشه شخصی  
 و تماماً با تحقیق علماء مخالف است .

## ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

این کتاب نیست هیچ شکي در آن

تفسیر : هیچ شبه نیست که قرآن کلام الهی (ج) و مندرجات آن همه  
 راست و واقعیست .

اشتباه در کلام بطور یقین وارد میشود یا در خود کلام خطا و خللی یازد ادراک  
 سامع فساد و فطوری میباشد ، در صورت نخست خود کلام محل ریب  
 خواهد بود و در صورت ثانی البته ادراک داننده آن . این کلام حق و راست  
 است اگر چه در نگاه کسانی که نمی دانند به جهت فتور ادراک ایشان محل  
 ریب معلوم گردد ، در این آیه ریب صورت نخست نفی گردید و این شبه  
 نیز منتفی شد که کافران قرآن را کلام خدا و سخن حق و راست نمیدانستند  
 و در آن ریب و انکار داشتند پس نفسی ریب چه معنی دارد - اشتباه  
 صورت دوم پس ازین ذکر شده «وان کتم فی ریب مما نزلنا الایه» .

بقره

۲

منزل اول

الم

هُدَى

راهنماست

تفسیر : ازین جا تا پایان قرآن جواب «اهدنا الصراط المستقیم» است که از سوی بندگان نیاز شده بود .

لِّلْمُتَّقِينَ

ترسندگان (پرهیزگاران) را

تفسیر : این کتاب راه می نماید آن بندگان را که از خداوند خوف دارند. ترسندگان از خدا در تجسس امور پسندیده و ناپسند ( اطاعت و معصیت ) می باشند اما کسیکه از فرمان الهی (ج) سر باز می زند و دلش از خوف خدا تهیست نه در اندیشه طاعت باشد و نه از معصیت بیم کند .

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

بچیزهای نادیده

ایمان دارند

آنانیکه

تفسیر : آن چیزهاییکه از عقل و حواس ایشان نهانست مانند دوزخ، بهشت فرشتگان و غیره تمام این اشیاء را بازشاد الهی (ج) و پیغمبر راستینوی حق و امور یقینی می شناسند بنابراین آنانیکه از امور غیب منکراند از هدایت بهره ندارند .

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

نماز را

درست برپا میدارند

و

تفسیر : اقامت صلوة برپا داشتن نماز است که همیشه و بارعایت حقوق و در اوقات معینه ادا شود .

وَمَا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۲﴾

و از آنچه عطا کرده ایم ایشانرا خرج میکنند

تفسیر: اصل همه عبادات سه چیز است آنچه متعلق بدل است، آنچه متعلق به بدن است، آنچه متعلق بمال است، درین آیت هر سه اصل به ترتیب ذکر شده.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ

و آنانیکه ایمان دارند به آنچه نازل شده

إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ﴿۳﴾

بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾

و به آخرت ایشان یقین دارند

تفسیر: آیت سابق ذکر مشرکان مکه بود که بدولت ایمان فایز شدند این آیت از حال آن اهل کتاب (یهود و نصاری) بیان می نماید که به شرف دین اسلام مشرف گردیده اند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًىٰ مِنْ رَبِّهِمْ

آن گروه (ستوده) بر هدایت اند از جانب پروردگارشان

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

و آن گروه ایشانند رستگاران

تفسیر : هردو فریق اهل ایمان که ذکر شدند در این جهان هدایت شده‌اند و در آن جهان همه آرزوهای ایشان برآورده گردد - ازینجا آشکار شد کسانیکه از موهبت ایمان بهره ندارند و از اعمال حسنه محرومند از آنها هردو جهان (دنیا و آخرت) ضایع است. پس از انجام ذکر مسلمانان حال کافران ذکر میشود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

هوائیه آنانیکه کافر شدند برابراست برایشان

ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

که بترسانی ایشانرا یا نترسانی ایشانرا ایمان نمی آرند

تفسیر : در این جا کافران تنها مراد از کسانیکست که درباره آنها کفر مقرر شده و جاویدان از دولت ایمان محرومند (ابوجهل، ابولهب و غیره) والا آشکار است که بسیار کافران مسلمان شده اند و مسلمان میشوند.

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ

مهر نهاده است خدا بر دل‌های شان و بر گوش‌های شان

وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ

و بر چشم‌های شان (یک نوع) پرده است

تفسیر : بر دل‌های شان مهر نهاد یعنی (سخن حق را نمیدانند) بر گوش‌های شان مهر نهاد یعنی (به شنیدن حق متوجه نمیگردند) بر چشم‌های شان پرده است یعنی (راه حق را نمی بینند)، بیان حال کافران به پایان رسید بعد از این در طی سیزده آیت چگونگی منافقان ذکر میشود.

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ

و ایشانراست عذاب بزرگ (و بعضی) از مردمان

مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

کسانی اند که میگویند ایمان آوردیم بخدا و بروز قیامت

وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾

(وصف لازم)

مؤمنان

حال آنکه نیستند ایشان

تفسیر : از صمیم قلب ایمان نیاوردند که آن ایمان حقیقی است بغرض  
فرب مردمان تنها به زبان اظهار ایمان می نمایند .

يُخَذِ عُونِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا

فرب میکنند با خدا و با کسانی که ایمان آورده اند

وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ

و نمی فریبند مگر نفسهای خود را

وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

و دقت نمیکنند (شعور ندارند)

تفسیر : فرب ایشان به حضرت الهی (ج) تأثیری نمی افکند ، حضرت وی  
دانای راز و عالم غیب است و مسلمانان را نیز متأثر نمیسازد، خداوند

آنها را به وسیله پیغمبر خود و دیگر دلایل و قراین به فریب منافقان آگاه می‌گرداند ، وبال این فریبها عاید به خود آنهاست ، اما بعلت نادانی و غفلت و عصیان به غرور در آن نمی‌نکند و ادراک نمی‌نماید ، اگر به غور باز نکرند دانند که زبان خدای ایشان به مسلمانان نرسد و همیشه خود بسوء نتیجه آن گرفتار آیند .

حضرت شاه عبدالقادر (رح) از دانشمندان خورده بینند که «مایشعرون» را به جای ترجمه ظاهری (شعور ندارند) به کنه چیزی پی‌نبردن و سنجش نکردن ترجمه نموده اند .

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا

دردلهای ایشان (یکنوع) بیماریست پس افزود بایشان خدا بیماری را

تفسیر : در دل‌های شان بیماری نفاق و نفرت دین و حسد و عناد مسلمانان از اول مستولی بود . اکنون نزول قرآن ، ظهور شوکت اسلام ، پیشرفت و پیروزی مسلمانان بر بیماری های شان می‌افزاید .

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۵ بِمَا كَانُوا

و ایشانراست عذاب دردناک به سبب آنکه

يَكْذِبُونَ ۝۱۰

دروغ می‌گفتند

تفسیر : دروغ‌انست که به کذب دعوی اسلامیت داشتند و می‌گفتند «آما بالله وبالیوم الآخر» (پیشتر گذشت) یعنی عذاب الیم محض به کذب آنها نیست جزای نفاق ایشان است ، حضرت شاه (رح) می‌خواسته به همین تفاوت باریک جلب توجه کند که «یکذبون» را بجای (دروغ گفتن) به دعوی دروغ ترجمه نموده فجزاه الله ما ادق نظره .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

و هنگامی که گفته شود بایشان که فساد مکنید در زمین

قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿۱۱﴾

گویند جزاین نیست که ما اصلاح کارانیم

تفسیر : منافقان نوع ، نوع فساد می انگیختند ، به تمایلات نفسانی منهنک بودند ، در انقیاد احکام شرع سستی میکردند ، و از آن نفرت داشتند ، با مسلمانان و کافران ، به هر دو جانب مرادده داشتند ، بغرض رفعت قدر و منزلت خویش حرف یکی را به دیگری می گفتند ، با کافران به مدارا و آمیزش بودند ، در امور مخالف دین آنها را مزاحم نمی گشتند ، اگر کافران اعتراضی یا اشتباهی در مسایل دین می نمودند آنها را رو بروی مسلمانان آشکارا می گفتند تا مردم ضعیف الاعتقاد بی خرد را در احکام شرع مشتبه سازند . اگر کسی آنها را از اجرای مفاسد شان باز می داشت می گفتند ما خواهان اصلاحیم و می خواهیم مانند روزگار پیشین یگانگی در میان مردم برقرار شود و مخالفتی که از دین جدید به میان آمده رفع گردد (مردم مادی و هوا پرست همیشه چنین گویند) .

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ

آگاه باشید هر آئینه محض ایشانند فساد انگیزان

وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۲﴾

و مگر نمیدانند (شعور ندارند)

تفسیر : حقیقت اصلاح آنست که دین حق بر سایر ادیان فیروزی یابد ، و نسبت به اغراض و منافع این جهان احکام شرع بیشتر رعایت شود در راه دین به موافقت و مخالفت هیچکسی هیچگونه اعتنائی نشود ، ع : خاک بردلداری اغیار پاش ! منافقان هر چه را به حیله مصالحت و مصلحت جلوه میدهند در حقیقت جز فساد چیزی نیست اما خود از ادراک آن عاجز اند .